



Human Rights Violations in Domestic Violence Against Women

Arezoo Malekshah^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Law, South Tehran branch, Islamic azad University Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 95-112

Article history:

Received: 26 Jun 2025

Edition: 22 Jul 2025

Accepted: 21 Aug 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

human rights violations, violence, domestic violence against women.

Corresponding Author:

Arezoo, Malekshah

Address:

Iran, Tehran, Islamic azad University,
South Tehran branch, Department of
Law.

Orchid Code:

Email:

a.malekshah@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Domestic violence, as a global issue, is considered a blatant violation of fundamental human rights and imposes numerous adverse consequences on women's lives. This research aims to examine the violation of human rights in domestic violence against women, as this phenomenon has extensive destructive effects on various aspects of their lives.

Materials and Methods: This research is descriptive-analytical and compiled from library sources.

Ethical Considerations: The originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed in writing the article.

Findings: Considering the harmful and destructive consequences of human rights violations in this matter, it is essential and unavoidable to take decisive and effective measures to prevent and reduce these adverse effects. Violations of the right to life and human dignity, gender discrimination, and violations of the right to health are among the most important and prominent consequences of domestic violence.

Conclusion: The formulation and approval of supportive and preventive laws regarding combating violence against women is considered a fundamental and necessary action to reduce and mitigate the effects and prevalence of this destructive social phenomenon. These laws, by creating effective legal mechanisms, can not only provide necessary support to women at risk and victims of violence but also play a deterrent role against violent behaviors. Educating and raising awareness in society about women's rights and the harmful consequences of domestic violence can significantly influence changing attitudes and correcting inappropriate behaviors. Ultimately, empowering women by providing access to education, job opportunities, and social support can assist them.

Cite this article as:

Malekshah A. Human Rights Violations in Domestic Violence Against Women. *Jurisprudential Research on Human Rights*. 2025.



دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

نقض حقوق بشر در خشونت خانگی علیه زنان

آرزو ملک‌شاه^۱*

۱. استادیار گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: خشونت خانگی، به عنوان یک معضل جهانی، نقض آشکار حقوق اساسی بشر تلقی می‌شود و پیامدهای ناگوار متعددی را بر زندگی زنان تحمیل می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقض حقوق بشر در خشونت خانگی علیه زنان انجام شده است، زیرا این پدیده آثار مخرب گسترده‌ای را در ابعاد مختلف زندگی آنان به دنبال دارد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش، با رویکردی توصیفی - تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: باتوجه به پیامدهای زیان‌بار و مخرب ناشی از نقض حقوق بشر در این مسئله، اتخاذ تدابیر قاطع و مؤثر به منظور پیشگیری و کاهش این اثرات ناگوار، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. نقض حق حیات و کرامت انسانی، تبعیض جنسیتی و نقض حق بر سلامت، از جمله مهم‌ترین و بارزترین پیامدهای خشونت خانگی به شمار می‌روند.

نتیجه: تدوین و تصویب قوانین حمایتی و پیشگیرانه در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان، اقدامی اساسی و ضروری در راستای کاهش و تعدیل آثار و گستره این پدیده مخرب اجتماعی تلقی می‌شود. این قوانین، با ایجاد سازوکارهای قانونی کارآمد، قادرند ضمن ارائه حمایت‌های لازم به زنان در معرض خطر و قربانیان خشونت، نقش بازدارنده‌ای در برابر رفتارهای خشونت‌آمیز ایفا نمایند. آموزش و آگاه‌سازی جامعه در خصوص حقوق زنان و پیامدهای زیان‌بار خشونت خانگی، می‌تواند تأثیر بسزایی در تغییر نگرش‌ها و اصلاح رفتارهای نامناسب داشته باشد. در نهایت، توانمندسازی زنان از طریق فراهم نمودن دسترسی به آموزش، فرصت‌های شغلی و حمایت‌های اجتماعی، می‌تواند به آنان کمک نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۵-۱۱۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

نقض حقوق بشر، خشونت، خشونت خانگی علیه زنان.

نویسنده مسئول:

آرزو ملک‌شاه

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، گروه حقوق.
کد ارکید:

پست الکترونیک:

a.malekshah@iau.ac.ir

۱. مقدمه

خشونت علیه زنان، معضلی فراگیر و جهانی است که نیازمند توجه و اقدام جدی در سطوح مختلف جوامع بین‌المللی است. این پدیده، نقض حقوق بشر بوده و مانعی جدی در مسیر توسعه و پیشرفت جوامع به شمار می‌رود. (United Nations General Assembly, 2019) سازمان ملل متحد، خشونت علیه زنان را به‌عنوان هر عمل خشونت مبتنی بر جنسیت که منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی به زنان می‌شود، یا احتمالاً منجر به آن می‌گردد، از جمله تهدیدات این‌گونه اعمال، اجبار یا محرومیت خودسرانه از آزادی، چه در زندگی عمومی و چه در زندگی خصوصی تعریف می‌کند. خشونت شریک نزدیک IPV و خشونت غیر شریک نزدیک N- IPV دو نوع اصلی آن هستند. آمار جهانی نشان می‌دهد که تقریباً یک زن از هر سه زن، حداقل یک نوع از خشونت جسمی، روانی و یا جنسی را تجربه کرده است. (World Health Organization, 2021) خشونت علیه زنان، نقض آشکار حقوق بشر و مانعی جدی در مسیر دستیابی به اهداف توسعه پایدار است. این پدیده شوم، آثار زیان باری بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی زنان وارد ساخته و حق حیات و کرامت انسانی آنان را مورد تهدید قرار می‌دهد. (Williams et al, 2019)

خشونت علیه زنان یک معضل جهانی با تبعات وخیم برای سلامت عمومی است. فقدان آمار دقیق در این زمینه محسوس است، اما شواهد حاکی از گستردگی این پدیده در جوامع مختلف دارد. تخمین زده می‌شود که حداقل یک‌چهارم زنان در سنین باروری، خشونت را تجربه می‌کنند. (Meyer et al, 2020)

(خشونت در روابط نزدیک، یک معضل بهداشت عمومی جهانی است که رفتارهای خشونت‌آمیز فیزیکی، جنسی، عاطفی و کنترل‌کننده را شامل می‌شود. زنان، به‌طور خاص، در معرض خطر قربانی شدن قرار دارند و این خشونت، پیامدهای منفی کوتاه‌مدت و بلندمدت بر سلامت جسمی و روانی آن‌ها و فرزندانشان دارد. اثرات سوء این معضل جهانی، حتی پس از پایان خشونت نیز تداوم می‌یابد. (Garcia et al, 2005) این اعمال خشونت‌آمیز شامل تجاوز، خشونت فیزیکی و آزار عاطفی می‌شود. (Barnett et al, 2011) اگرچه هر دو جنس مورد آسیب قرار می‌گیرند، شیوع خشونت علیه زنان بیشتر است و زنان بیشتر در معرض آسیب‌های جدی ناشی از خشونت، از جمله قتل، قرار دارند. (Johnson, 2008) خشونت و آزارهای خانگی، طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجبارآمیز، تهدیدآمیز، کنترل‌کننده، تحقیرآمیز و خشونت‌آمیز را در بر می‌گیرد. بر اساس آمارها، خشونت از سوی شریک عاطفی، زندگی ۶۴۱ میلیون زن را تحت‌تأثیر قرار داده است. این نوع خشونت، رایج‌ترین شکل خشونت علیه زنان در سراسر جهان محسوب می‌شود. در قوانین و گزارش‌های کشورهای انگلستان نیز، اصطلاح خشونت خانگی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته و انواع مختلف آزارهای خانگی را شامل می‌شود. (World Health Organization, 2021) هدف از این مقاله، بررسی و تحلیل موارد نقض حقوق بشر در زمینه خشونت خانگی علیه زنان است. این پژوهش به دنبال شناسایی ابعاد مختلف این پدیده و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن است.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش، با رویکردی توصیفی - تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در نگارش مقاله، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

باتوجه به پیامدهای زیان‌بار و مخرب ناشی از نقض حقوق بشر در این مسئله، اتخاذ تدابیر قاطع و مؤثر به منظور پیشگیری و کاهش این اثرات ناگوار، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. نقض حق حیات و کرامت انسانی، تبعیض جنسیتی و نقض حق بر سلامت، از جمله مهم‌ترین و بارزترین پیامدهای خشونت خانگی به شمار می‌روند.

۵. بحث

۵-۱. تعریف خشونت خانگی

خشونت خانگی، که غالباً با خشونت علیه زنان مترادف تلقی می‌شود، پدیده‌ای پیچیده با عوامل متعدد است. این مفهوم دربرگیرنده اعمال ناشی از نابرابری جنسیتی است که منجر به آسیب‌های جسمی، روانی یا رنج زنان می‌شود. خشونت خانگی با ساختارهای قدرت و اعمال نفوذ مرتبط بوده و متأسفانه، گاهی به عنوان ابزاری برای مطیع‌سازی زنان در روابط زناشویی به کار می‌رود. (Saur et al, 2011) خشونت علیه زنان، پدیده‌ای با توزیع گسترده در سطح جهانی، به عنوان یک معضل بین‌المللی شناخته می‌شود که اغلب توسط شریک

زندگی یا افراد نزدیک به قربانی اعمال می‌گردد. آمار سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که خشونت خانگی توسط شریک نزدیک، حدود ۳۰ درصد از زنان جهان را تحت تاثیر قرار داده است، که نشان‌دهنده دامنه وسیع و اهمیت این مسئله است. (Hoppstadius et al, 2020) شیوع بالای خشونت علیه زنان، پدیده‌ای که به عنوان یک معضل بهداشت عمومی شناخته می‌شود، توجه قابل‌ملاحظه‌ای را به خود جلب نموده است. این امر ناشی از پیامدهای وخیم و گسترده‌ای است که می‌تواند بر جنبه‌های گوناگون زندگی زنان داشته باشد. تأثیر مستقیم این خشونت بر سلامت جسمی و روانی زنان، حتی در مواردی که به مرگ ناشی از جراحات و آسیب‌های جسمی یا عاطفی منجر نمی‌شود، غیرقابل انکار است. (Campbell, 2002)

۵-۲. نقض حقوق بشر در خشونت خانگی

خشونت خانگی، نقض آشکار حقوق اساسی بشر و اصول اخلاقی بنیادین است. این عمل غیرانسانی، حقوق حیاتی نظیر حق حیات، امنیت شخصی و رهایی از خشونت را نقض می‌کند. خشونت خانگی ریشه در تبعیض جنسیتی دارد و اصول برابری را زیر پا می‌گذارد. مقابله با این پدیده شوم، مستلزم تعهد اخلاقی و معنوی از طریق چارچوب‌های قانونی، سیاست‌گذاری‌ها و تغییر نگرش‌های فرهنگی است. (Reshmi et al, 2024) این حقوق انسانی، حقوقی بنیادین و ذاتی است که شایسته تکریم و حمایت‌اند. دولت‌ها و افراد جامعه موظف به احترام و صیانت از این حقوق، به منظور حفظ کرامت انسانی هستند. خشونت خانگی علیه زنان، نقض بارز این حقوق و تهدیدی علیه حق حیات و امنیت افراد است. حق

حیات، حقی غیرقابل سلب است و هر فرد باید از آزادی و امنیت برخوردار باشد. (Kurnianingsih et al, 2021: 52) مفهوم حقوق بشر دلالت بر این دارد که تمامی افراد، صرف‌نظر از جنسیت، از ابتدای تولد، دارای حقوقی ذاتی و غیرقابل انکار هستند. این حقوق نباید نقض شوند و یا به‌منظور سرکوب و آزار افرادی که از این حقوق برخوردارند، مورد سوءاستفاده قرار گیرند. با ایجاد این حقوق، احترام به آن‌ها توسط دولت، قانون و حاکمیت تضمین شده و مورد حمایت قرار می‌گیرد. دولت موظف است از حقوق انسانی یکایک افراد محافظت نموده و همگان، به‌پاس شرافت و کرامت انسانی، حق بهره‌مندی از این حقوق را بدون مداخله دیگران دارا هستند. (Johny, 2011)

حقوق بشر زنان و مسئله خشونت خانگی، به عنوان موضوعاتی دارای اهمیت جهانی، در معاهدات بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. اعلامیه سازمان ملل متحد، خشونت علیه زنان را نقض حقوق اساسی بشر تلقی نموده و بر ضرورت اتخاذ تدابیر جدی برای مقابله با آن تأکید دارد. در سطح بین‌المللی، سازوکارهای متعددی به منظور حمایت از حقوق زنان ایجاد شده‌اند و کنوانسیون‌های حقوق بشر بین‌المللی، تبعیض جنسیتی را محدود و دولت‌ها را موظف به حمایت از حقوق زنان در تمامی زمینه‌ها می‌نماید. (Amnesty International, 2022)

سازوکارهای مبتنی بر منشور ملل متحد، شامل قطعنامه‌ها و طرح‌های عملی، منبع مهمی در حقوق بین‌الملل برای مقابله با خشونت علیه زنان هستند. این سازوکارها، فاقد ضمانت اجرایی معاهدات حقوق بشری بوده، اما از

اعتبار اخلاقی برخوردار و در تفسیر معاهدات مؤثرند. از دهه ۱۹۹۰، هم‌زمان با افزایش مطالبات، شاهد رشد این سازوکارها بودیم و خشونت علیه زنان به عنوان اولویت حقوق بشری در کنفرانس پکن شناسایی شد. (Beijing Declaration and Platform for Action, 1995) به‌طور گسترده پذیرفته شده است که خشونت علیه زنان نوعی تبعیض جنسیتی محسوب می‌شود و در صورت عدم ایفای تعهدات دولت‌ها در پیشگیری، پیگیری قانونی و حفاظت از زنان در برابر خشونت، می‌تواند نقض حقوق بشر تلقی گردد. دولت‌ها موظف‌اند، حتی در صورت ارتکاب خشونت توسط افراد خصوصی، اقدامات لازم را برای مجازات و جلوگیری از تکرار آن انجام دهند. (CEDAW General Recommendation, 1992)

اگرچه اصطلاح "تلاش معقول" به‌ندرت در حقوق پیمان‌ها به چشم می‌خورد، رویه قضایی دیوان حقوق بشر اروپا، دیوان بین‌المللی حقوق بشر آمریکا، کمیته CEDAW، شورای حقوق بشر سازمان ملل، پلتفرم عملی پکن و گزارش‌های گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان، همگی بر وظیفه انجام تلاش معقول تأکید دارند. (CEDAW Communication, 2007)

علاوه بر این، مراجع قضایی حقوق بشر منطقه‌ای تصریح کرده‌اند که خشونت علیه زنان را می‌توان بر اساس مفاد کلی معاهدات حقوق بشری، از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، مورد پیگرد قانونی قرار داد. دیوان‌های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر، دولت‌ها را در مواردی به دلیل نقض ممنوعیت شکنجه، رفتارهای غیرانسانی، حق حیات و منع تبعیض مسئول شناخته‌اند. این دادگاه‌ها

مردان، تضمین شده است. این حقوق شامل آزادی و امنیت شخصی، مصونیت از شکنجه و رفتارهای ظالمانه، رهایی از اعمال غیرانسانی، محافظت در برابر آسیب به کرامت انسانی، مصونیت از حملات علیه حیثیت و نام نیک، و برخورداری از حمایت قانونی برابر در برابر این تعرضات است. (Boer, 2001) در سال های اخیر مقابله با خشونت علیه زنان در دستور کار سازمان ها و نهادهای حقوق بشری و اسناد بین المللی قرار گرفته، و مقرراتی به همت این سازمانها برای دولتهای عضو وضع شده است. اما به دلیل فقدان نظارت صحیح و ضمانت اجرای قوی و الزام آور نبودن برخی از این قوانین، در عمل شاهد رشد روزافزون خشونت علیه زنان در این جوامع هستیم. (میرجعفری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰)

با وجود این که رویه اسناد و نهادهای حقوق بشری بین المللی، بر برابری زنان و مردان در خانواده تکیه دارد، اما کمیته حقوق بشر اعلام مینماید که ثمرات ضدحقوق بشری برای زنان، استنکاف هرچه بیشتر مردان از ایفای حقوق و تکالیف خانوادگی را به دنبال داشته است؛ تا آنجا که خود کمیته منع تبعیض علیه زنان در نظریه تفسیری شماره ۲۱ ابراز میکند که یکی از معضلات جدی زنان در روابط خانوادگی، وجود مادران تنها و شانه خالی کردن پدران از ایفای وظایف خانوادگی است و این مصداقی از خشونت خانگی علیه زنان تلقی میگردد.

دوم. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)، به عنوان تنها معاهده بین المللی

همچنین بر اهمیت دسترسی به درمان مؤثر، به ویژه در موارد خشونت جنسی علیه زنان، تأکید نموده اند. (MC v Bulgaria, 2003) خشونت خانگی نقض آشکار و صریح حقوق اساسی و اولیه زنان تلقی می شود. این حقوق، که شالوده بقا و شکوفایی هر فرد انسانی را تشکیل می دهند، در صورت نقض و تعدی، حیات فرد را با مخاطرات و چالش های جدی مواجه ساخته و زمینه های رشد و تعالی او را محدود می سازند.

۳-۵. نقض خشونت خانگی در اسناد بین المللی

خشونت خانگی، به عنوان نقض حقوق بشر، در بسیاری از اسناد بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. این اسناد باهدف حمایت از قربانیان و پیشگیری از وقوع این پدیده، تعهداتی را برای دولتهای عضو ایجاد می کنند. بررسی میزان پایبندی به این تعهدات و شناسایی موارد نقض، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این قسمت به موضوع نقض خشونت خانگی در تعدادی از اسناد بین المللی می پردازیم.

اول. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸، با تأکید بر شمولیت، اعتبار حقوق بشر را برای همگان، بدون تبعیض، به رسمیت شناخت و هرگونه محدودیت جغرافیایی یا اجتماعی را مردود دانست. اگرچه رویکردی فردگرایانه در آن مشهود است، جنبه های اجتماعی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته اند. این اعلامیه، در محافل حقوقی نیز دارای اعتبار و آثار حقوقی است. (Peter, 2001) مطابق ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق زنان، هم تراز با حقوق

NATIONS DEVELOPMENT GROUP (EUROPE AND CENTRAL ASIA, 2020)

کنوانسیون استانبول، پیمانی با ماهیت دوگانه، شامل مقررات حقوق بشری و کیفری در زمینه خشونت علیه زنان و خشونت خانگی است. این کنوانسیون با رویکردی مبتنی بر قربانی، بر حقوق، ایمنی، حمایت و رفاه آنان تأکید دارد. رویکرد جامع کنوانسیون، با دربرگیری اشکال مختلف خشونت، تأثیری عمیق بر یکسان‌سازی رویکرد کشورهای اروپایی در شناسایی و جرم‌انگاری این پدیده داشته است. در حالی که جرایمی مانند تجاوز و خشونت خانگی به طور گسترده جرم‌انگاری شده‌اند، جرایمی نظیر ختنه زنان و ازدواج اجباری هنوز در بسیاری از کشورها جرم محسوب نمی‌شوند. (European Institute for Gender Equality, 2015) این کنوانسیون با تأکید بر حق دسترسی مؤثر به جبران خسارت برای زنان و دخترانی که قربانی خشونت شده‌اند، بر اهمیت پیگیری قضایی و جبران خسارت مدنی علیه مرتکبان و دولت تأکید دارد. این پیمان‌نامه، مجموعه‌ای از مقررات را ارائه می‌دهد که تضمینات رویه‌ای و حمایتی از قربانیان خشونت خانگی و خشونت علیه زنان را تعیین می‌کند. دولت‌های عضو موظف هستند اطمینان حاصل نمایند که تحقیقات و پیگردهای قانونی مؤثر و به‌موقع در خصوص اقدامات خشونت‌آمیز علیه زنان، توسط نهادهای انتظامی ذی‌صلاح انجام می‌پذیرد. بر اساس مفاد این کنوانسیون، تحقیقات و پیگردهای قضایی مرتبط با خشونت فیزیکی، خشونت جنسی (از جمله تجاوز)، ازدواج اجباری، ختنه زنان، عقیم‌سازی اجباری یا سقط‌جنین اجباری، می‌تواند

الزام‌آور در زمینه حقوق بشر زنان، حائز اهمیت است. با این وجود، گستردگی CEDAW سبب شده تا موضوع خشونت علیه زنان در میان سایر اشکال تبعیض، مورد رقابت برای کسب توجه قرار گیرد. در متن اصلی این معاهده، واژه "خشونت" به صراحت ذکر نشده و اشکال رایج‌تری از خشونت علیه زنان، مانند خشونت خانگی، به طور جامع مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این امر، نقصی در چارچوب قانونی ایجاد کرده و ضرورت تدوین قوانین جامع‌تر را ایجاب می‌نماید. (Anna & Francisco, 2016) برنامه عملی باتکیه بر تعریف کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، از تبعیض علیه زنان تدوین شده است. هدف این برنامه، تضمین دسترسی برابر زنان به فرصت‌ها در عرصه‌هایی است که تبعیض در آن‌ها شایع است؛ از جمله مشارکت سیاسی، آموزش، بهداشت و فرصت‌های شغلی. (CEDAW, 1979) در این کنوانسیون به حقوق خانوادگی توجه شده و تساوی بین حقوق زن و مرد و تأکید بر حقوق فردی برابری جویانه بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و به اهمیت خانواده و تحکیم آن بی‌مهری شده است. (میرجعفری و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۰)

سوم. کنوانسیون استانبول

این کنوانسیون با هدف صیانت از زنان در برابر انواع خشونت، تدوین شده است. چارچوبی قانونی و سیاستی جامع برای حفاظت از قربانیان خشونت علیه زنان و خشونت خانگی ارائه می‌دهد و بر پیشگیری از وقوع این خشونت‌ها تأکید دارد. کنوانسیون، تدابیر حمایتی و دسترسی آسان قربانیان به خدمات حمایتی را تسهیل می‌نماید و انواع مختلف خشونت را تعریف و جرم‌انگاری می‌کند. (UNITED

به صورت دادرسی‌های غیرعلنی و خارج از حضور شاکی انجام شود.

۴-۵. مصادیق نقض حقوق بشر در خشونت خانگی

خشونت خانگی سالانه سلامت و ایمنی هزاران زن، کودک و جوان را در معرض خطر قرار می‌دهد. آمارها نشان می‌دهند که در یک بازه زمانی ده ساله، بیش از نیمی از قتل‌های زنان توسط شریک زندگی فعلی یا سابق ایشان انجام شده است. این در حالی است که قتل تنها یکی از پیامدهای وخیم خشونت خانگی است و زنان در تمامی سنین و سطوح مختلف اجتماعی-اقتصادی، با مشکلات متعدد جسمی، روانی و باروری مواجه می‌شوند. این مسائل ناشی از تلاش شریک زندگی برای حفظ قدرت و کنترل در رابطه است که سلامت و بهزیستی زنان را به طور جدی تهدید می‌کند. (Scottish Government, 2008) در این قسمت، به بررسی پاره‌ای از مصادیق نقض حقوق بشر در زمینه خشونت خانگی علیه زنان پرداخته می‌شود.

اول. نقض حق بر حیات و کرامت انسانی

نقض حق حیات و کرامت انسانی در خشونت خانگی علیه زنان، مصداقی بارز از تعدی به حقوق بنیادین بشر است. این پدیده، سلامت جسمی و روانی زنان را تهدید کرده و موجب انزوا و کاهش مشارکت اجتماعی آنان می‌شود. مقابله با این خشونت و حمایت از آسیب‌دیدگان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در راستای تحقق عدالت اجتماعی و تضمین کرامت انسانی است. جلوگیری از خشونت و حمایت از قربانیان، از وظایف اساسی هر جامعه متعهد به

ارزش‌های حقوق بشری است. (Lestari, 2005) هر فردی از حق حیات برخوردار است و دولت موظف است این حق را با جدیت محافظت نماید. در مواردی که مقامات دولتی مطلع باشند یا باید مطلع باشند که زندگی شخصی در معرض خطر جدی قرار دارد، وظیفه دارند تمام اقدامات ضروری و معقول را برای جلوگیری از این خطر، از جمله واکنش اولیه و کمک به آن به انجام رسانند. علاوه بر این، بررسی هرگونه مرگ غیرطبیعی و انجام اقدامات مقتضی در این خصوص، امری ضروری است. چنانچه حیات فردی به دلیل خشونت خانگی در معرض تهدید قرار گیرد و مقامات ذی‌صلاح، نظیر پلیس یا دادگاه‌ها، از اتخاذ تدابیر کافی امتناع ورزند، این وضعیت می‌تواند نقض حق حیات و تجاوز به حقوق اساسی بشر تلقی گردد. (Reshmi et al, 2024)

در دین مقدس اسلام، مبنای نگرش اسلامی در مسئله خشونت حفظ کرامت انسانی مبتنی بر تقسیم تکالیف بر اساس تفاوت‌های فطری زن و مرد در راستای اطاعت، عبادت الهی و همواره حاضردانستن خود در محضر عدالت ربوبی است. (میرجعفری و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۲) خشونت علیه زنان به مانند نقض حق حیات می‌تواند باشد. باید حیات را به لحاظ اخلاقی، اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عنصر ارزش انسانی دانست. از آنجایی که بهره‌مندی از حقوق بشر پیش از هر چیز منوط به زنده بودن بشر است حق حیات بر سایر حقوق اولویت دارد. (کرمی و توحیدی، ۱۳۹۹: ۷۳)

در تلقی قرآن کریم نیز زندگی اساسی‌ترین هدیه‌ای است که به انسانها داده شده است. برای حفظ این حق و عدم تجاوز به حریم آن، خداوند مجازاتی سخت

را برای کسانی که حیات دیگران را تهدید کنند، در نظر گرفته است. در قرآن (آیات ۳۳ اسراء و مائده ۳۲) بر این امر صحه گذاشته است. (آگاه، ۱۳۸۲: ۱۶۳) یکی از زشتترین و بارزترین جلوه های تعرض به حیثیت و کرامت انسانی، اعمال شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز است. در سطح بین المللی، به لطف ترویج اندیشه های انسانی و پیشرفت نهضت جهانی حقوق بشر، شکنجه، یکی از موارد نقض آشکار حقوق انسانی و لطمه به شرافت و سلامت جسمی و روانی افراد محکوم شناخته شد (رنجبریان، ۱۳۸۴: ۱۴۹) حق حیات، نه تنها مغایر با کرامت انسانی است، بلکه سلب این حق، انسان ها را از بهره‌مندی از سایر حقوق اساسی نیز محروم می‌سازد. کرامت انسانی، ارزشی بس والا دارد که در قرآن کریم نیز به آن اشاره‌های متعددی شده است. هیچ ابزار یا قدرتی نمی‌تواند کرامت ذاتی انسان را از او سلب نماید، زیرا این کرامت، موهبتی الهی و جزء لاینفک وجود انسانی است.

دوم. تبعیض جنسیتی

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) بر کرامت ذاتی و ارزش والای انسانی، فارغ از جنسیت، تأکید دارد و برابری حقوق زنان و مردان را به عنوان یک اصل بنیادین می‌پذیرد. این اسناد بین‌المللی، دولت‌های عضو را ملزم به تضمین حقوق برابر در بهره‌مندی از حقوق اساسی می‌نمایند و تبعیض علیه زنان را مغایر با کرامت انسانی و مانعی در مسیر مشارکت برابر آنان در عرصه‌های مختلف می‌دانند، زیرا این امر شکوفایی کامل استعدادهای زنان را محدود می‌سازد. "تبعیض علیه زنان" به هرگونه تمایز یا محدودیتی اطلاق می‌شود که هدف

یا اثر آن تضعیف حقوق و آزادی‌های اساسی زنان در تمامی عرصه‌ها، بر پایه مساوات با مردان باشد. (CEDAW, 1979) تبعیض جنسیتی و تمام اشکال دیگر تبعیض تهدیدی برای برخورداری زنان از حقوق انسانی و آزادی های بنیادی خود محسوب می شود. (ملاوردی، ۱۳۹۳: ۷۱۰) در اسلام، تساوی ارزشی میان زن و مرد و نیز یکسان بودن راه ترقی برای آن دو، یک اصل اساسی است و در شمار اصول مسلم دینی به حساب می آید. در این زمینه میتوان به آیات (حجرات، ۱۳؛ عمران، ۱۹۵؛ نسا، ۱۲۴) قرآن استناد کرد. این آیات بیانگر تساوی حقوق زن و مرد از چشم انداز اسلامی است. در این آیه ها مرد و زن با هم ذکر شده، ولی این دو موجود از نظر طبیعی و جسمی تفاوت هایی با هم دارند. این تفاوتها اقتضای تقسیم مسئولیت ها و تربیت نظام های اجتماعی را میطلبد. (جهانگیری و گروسی، ۱۳۹۸: ۱۰۴) برابری ارزشی بین زن و مرد امری است مسلم و این اصل، نافی تفاوت های جنسیتی نیست. زنان و مردان با اذعان به این برابری، قادر خواهند بود تا استعدادها و توانمندی های خود را در عرصه های گوناگون به منصفه ظهور برسانند. تأکید بر تساوی، به معنای نادیده انگاشتن تفاوت ها یا اعمال تبعیض نیست، بلکه بستری را فراهم می‌سازد تا هر فرد، فارغ از جنسیت، فرصت شکوفایی و پیشرفت داشته باشد.

سوم. نقض حق بر سلامت

در سه دهه‌ی اخیر، پژوهش‌های متعددی رابطه‌ی معناداری میان آسیب‌های خانگی و مشکلات سلامتی زنان نشان داده‌اند. زنانی که تجربه‌ی این آسیب‌ها را دارند، بیشتر در معرض مشکلات جسمی، روانی و جنسی قرار می‌گیرند. سازمان بهداشت

به سلامت باروری، بیماری‌های مزمن و عفونی. مطالعه‌ای بین‌المللی توسط سازمان جهانی بهداشت نشان داده است که خشونت خانگی با سندرم‌های درد مزمن ناتوان‌کننده، اختلالات گوارشی، سندرم روده تحریک‌پذیر، اختلالات خواب و کاهش کلی در عملکرد جسمی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت نیز همراه است. (AuCoin & Beauchamp, 2007) خشونت خانگی با مشکلات متعددی در زنان از جمله اختلالات، ناباروری، بیماری التهابی لگن، عوارض بارداری/سقط‌جنین، اختلال عملکرد جنسی و بیماری‌های مقاربتی مرتبط است. مطالعات نشان می‌دهند خشونت شریک در دوران بارداری خطر قتل زنان را افزایش داده و با آسیب مستقیم به جنین، زایمان زودرس یا وزن کم هنگام تولد مرتبط است. (Murphy et al, 2001) بیشتر قربانیان خشونت خانگی، در معرض انواع جراحات و آسیب‌های فیزیکی قرار دارند. رایج‌ترین نوع خشونت جسمی در پرونده‌های خشونت خانگی، کتک زدن است. (تقی زاده و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۳۲) خشونت فیزیکی علیه زنان، تأثیرات منفی قابل توجهی بر عملکرد آنان بر جای می‌گذارد. این تأثیرات، نه تنها در روان زنان نمود پیدا می‌کند، بلکه به طور محسوس بر فعالیت‌های روزمره و کیفیت زندگی آنان نیز اثرگذار است و شرایط زیستی دشوارتری را برای ایشان رقم می‌زند.

۲. آثار روانی خشونت

خشونت خانگی می‌تواند به‌عنوان یکی از شایع‌ترین عوامل زمینه‌ای در مراجعه زنان به متخصصان سلامت روان مطرح شود. این مسئله، نه تنها سلامت جسمانی زنان را به خطر می‌اندازد، بلکه اثرات مخربی

جهانی نیز بر ارتباط مستقیم شدت سوءاستفاده با اثرات منفی، ماهیت تجمعی انواع سوءاستفاده و تداوم اثرات مخرب آن حتی پس از پایان دوره‌ی سوءاستفاده تأکید دارد. (WHO, 2002)

۱. آثار جسمی خشونت

خشونت خانگی علیه زنان، معضلی است که همواره با پیامدهای وخیم جسمانی همراه بوده و سلامت جسمی آنان را در کوتاه‌مدت و بلندمدت به طور جدی تهدید می‌کند. این پیامدها شامل آسیب‌های مستقیم، مشکلات مزمن سلامتی و افزایش آسیب‌پذیری در برابر بیماری‌ها است. صدمات ناشی از سوءاستفاده، از کبودی و جراحت تا شکستگی استخوان، آسیب‌های مغزی، زخم‌های ناشی از چاقو و علائم خفگی را شامل می‌شود و در بسیاری از موارد، آسیب‌زا و یا تهدیدکننده حیات فرد است. از این رو، خشونت خانگی نه تنها یک مسئله اجتماعی، بلکه یک تهدید جدی برای سلامت عمومی زنان به شمار می‌رود. (Sheridan & Nash, 2007)

آسیب‌های ناشی از ضربه، به‌ویژه ضربه‌های سخت (ناشی از اثر خردکننده یا ضربه با جسم سخت)، شایع‌ترین نوع جراحاتی هستند که توسط شریک زندگی ایجاد می‌شوند. (Sheridan & Nash, 2007) مطالعات نشان می‌دهند زنانی که خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند، صرف‌نظر از جایگاه اقتصادی - اجتماعی، نسبت به زنانی که این تجربه را نداشته‌اند، دوبرابر بیشتر در معرض خطر ابتلا به وضعیت سلامت جسمانی نامطلوب قرار دارند. (Plitchta, 2004)

خشونت خانگی (IPV) با پیامدهای متعددی در سلامت جسمانی مرتبط است، از جمله مسائل مربوط

بر سلامت روان آن‌ها نیز دارد و می‌تواند منجر به بروز اختلالات اضطرابی، افسردگی و سایر مشکلات روان‌شناختی گردد. (Stark & Flitcraft, 1995) خشونت، تبعات روان‌شناختی متعددی به دنبال دارد که اضطراب، شایع‌ترین آن‌هاست و می‌تواند کیفیت زندگی را به طور قابل توجهی تحت تاثیر قرار دهد. احساس ناامیدی، توأم با شرم و حقارت، فرد را مستعد ابتلا به افسردگی می‌سازد. این سیکل معیوب، اعتماد به نفس و انگیزه را تضعیف کرده و زمینه‌ساز مشکلات روانی متعدد گشته و رنج مستمر را در پی دارد. واکنش‌های تهاجمی، اختلال استرس پس از سانحه، اختلال شخصیت تجزیه‌ای، کاهش عزت نفس، سوء مصرف مواد، و مشکلات خانوادگی - اجتماعی نیز از دیگر پیامدهای محتمل خشونت محسوب می‌شوند. (Silva et al, 2020)

مطالعات متعددی در زمینه بررسی آثار روانی خشونت خانگی بر زنان، به شناسایی پیامدهای قابل توجهی نائل آمده‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهند که خشونت خانگی با افزایش نرخ اختلالات خوردن، گرایش به وابستگی به مواد مخدر، بروز اختلالات شخصیت ضد اجتماعی و نیز ظهور نشانه‌های سایکوز غیر عاطفی در میان زنان آسیب‌دیده مرتبط است. این یافته‌ها بر اهمیت توجه به سلامت روان این گروه از زنان و ارائه خدمات حمایتی تخصصی به منظور کاهش اثرات مخرب خشونت خانگی تأکید می‌کنند. (Ehrensaft et al, 2006) مجموعه‌ای از فشارهای روانی و افکار منفی فرد قربانی، او را آسیب پذیر تر می‌کنند و کم کم فرد قربانی به این باور می‌رسد که طرد شده و به همین جهت ممکن است به دنبال راهی برای آسیب

زدن به خود باشد تا بتواند دیگران را تحت تاثیر قرار دهد. خودکشی‌ها در موارد زیادی برای جلب توجه و ترحم همسر انجام می‌شوند. انبوه افکار منفی و فشارهای ناشی از خشونت‌های مختلف جسمی، جنسی، روانی و ... قدرت تفکر منطقی را از قربانی می‌گیرند و به افکار خطرناکی مثل خودکشی قوت می‌بخشند. (رضایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۳) خشونت به عنوان یک عامل مخرب، تأثیرات چشمگیری بر سلامت روان زنان دارد و می‌تواند به طور قابل توجهی در افزایش تعداد زنان قربانی خشونت نقش ایفا کند. این پدیده نه تنها به روان این زنان آسیب وارد می‌کند، بلکه آثار آن بر جسم و عملکرد روزانه آنان نیز مخرب و تاثیرگذار است. به این ترتیب، خشونت می‌تواند منجر به اختلالات روانی، کاهش کیفیت زندگی و ناتوانی در انجام فعالیت‌های روزمره شود.

۳. خشونت جنسی

آزار جنسی که تجاوز نیز ذیل آن قرار می‌گیرد، به معنای هرگونه فعالیت جنسی تحمیلی، تلاش برای انجام عمل جنسی به صورت اجباری یا لمس، بوسیدن، یا در آغوش کشیدن ناخواسته تعریف می‌گردد. (Perreault & Brennan, 2010) اعمال قدرت و کنترل توسط برخی شرکای سوءاستفاده‌گر، با مداخله در تصمیم‌گیری‌های زنان در مورد روش‌های پیشگیری از بارداری، از جمله استفاده از کاندوم، نمود می‌یابد. این رفتارها، زنان را در معرض خطر بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین‌های اجباری و بیماری‌های آمیزشی قرار می‌دهد. آمار جهانی نشان می‌دهد که بین ۶ تا ۴۷ درصد زنان، سوءاستفاده جنسی را توسط شریک صمیمی یا سابق تجربه کرده‌اند. این امر می‌تواند

کیفیت زندگی (Quality of life (QoL به خوشبختی موضوعی یک فرد اشاره دارد. به عنوان "ادراک فرد از موقعیت خود در زندگی در بافت فرهنگ و سیستم‌های ارزشی که در آن زندگی می‌کند و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها و نگرانی‌هایش" تعریف شده است. مفهوم کیفیت زندگی که توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) به عنوان یک حق اساسی شهروندی تعریف گردیده است، در برگیرنده مجموعه‌ای پیچیده و چندوجهی از شرایط و مقتضیات است. این مفهوم، فراتر از صرف برخورداری از حداقل استانداردهای معیشتی، به ارزیابی جامع شرایط اقتصادی، محیطی، علمی - فرهنگی و سیاسی می‌پردازد که به صورت جمعی و با مشارکت فعال جامعه مدنی، ساختارمند شده و در دسترس آحاد افراد جامعه قرار می‌گیرد. هدف غایی از فراهم آوردن این شرایط، توانمندسازی افراد در جهت تحقق کامل ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالقوه خویش، ارتقای سطح رفاه و آسایش روانی - اجتماعی و تضمین مشارکت مؤثر و سازنده آنان در تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی است. به عبارت دیگر، کیفیت زندگی نه صرفاً یک هدف فردی، بلکه یک مسئولیت جمعی و یک شاخص کلیدی در سنجش پیشرفت و توسعه پایدار جوامع محسوب می‌گردد. (Testa & Simonson, 1996)

تحقیقات فزاینده‌ای کیفیت زندگی را به عنوان معیاری برای ارزیابی بهزیستی ذهنی و اثرات شرایط سلامتی در جوامع مختلف به کار می‌برند. با این وجود، پژوهش‌ها در مورد پیامدهای خشونت در روابط نزدیک بر کیفیت زندگی محدود است. مطالعات پیشین، عمدتاً در محیط‌های بالینی، ارتباط

منجر به مشکلات مزمن سلامتی از جمله بیماری التهابی لگن، اختلال عملکرد جنسی و ناباروری شود. اجبار به رابطه جنسی با شریک آلوده به HIV نیز از راه‌های اصلی انتقال این ویروس است. (WHO, 2004) در یک مطالعه تطبیقی، یافته‌ها حاکی از آن است که تجربه تجاوز جنسی توسط شریک فعلی، در مقایسه با تجاوز جنسی توسط شریک سابق یا فرد غیر صمیمی، به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده قوی‌تر برای بروز اختلال استرس پس از سانحه، افزایش سطح استرس و احساس جدایی و بیگانگی در فرد آسیب‌دیده عمل می‌کند. این موضوع بر اهمیت درک تفاوت‌های ظریف در تأثیرات روان‌شناختی ناشی از انواع مختلف تجاوز جنسی و نقش روابط بین‌فردی در تشدید آسیب‌های روحی ناشی از این تجارب ناگوار تأکید دارد. (Temple et al, 2007) تجربه خشونت در دوران بارداری ممکن است بر روی شیردهی مادر هم تأثیر بگذارد. مطالعات نشان می‌دهند احتمال شروع شیردهی زنان تحت تأثیر خشونت خانگی پس از زایمان از سایرین کمتر است. (شمسی و بیاتی، ۱۳۹۰: ۶۸) خشونت جنسی تأثیرات منفی عمیقی بر جسم و روان زنان وارد می‌سازد. این تجربه ناگوار می‌تواند منجر به بروز مشکلات متعدد جسمی و روانی، از جمله ترس و اضطراب ناشی از احتمال تکرار واقعه گردد. چنین آسیب‌هایی ممکن است عملکرد زن را در زندگی روزمره مختل نموده و توانایی ایفای نقش مؤثر در خانواده و اجتماع را تحت‌الشعاع قرار دهد.

۴. آثار خشونت بر کیفیت زندگی

بین تجربه خشونت و کاهش کیفیت زندگی را نشان داده‌اند، اما این یافته‌ها احتمالاً تأثیرات خشونت در موارد حادثه را منعکس می‌کنند. با وجود کمبود شواهد جامع، بررسی ارتباط بین خشونت و کیفیت زندگی، با توجه به پیامدهای خشونت بر سلامت روان، اهمیت ویژه‌ای دارد. (Shanmugan et al, 2017) با توجه به ماهیت پیچیده و چندوجهی کیفیت زندگی، بررسی تأثیر خشونت خانگی بر آن، به‌ویژه در میان زنان آسیب‌دیده، امری ضروری است. یافته‌ها نشان می‌دهند که خشونت خانگی پدیده‌ای رایج بوده و اثرات منفی قابل توجهی بر سلامت و کیفیت زندگی زنان دارد. این مسئله با آمار سازمان جهانی بهداشت نیز همخوانی دارد و ضرورت توجه به خشونت علیه زنان را به عنوان یک معضل بهداشت عمومی برجسته می‌کند. (Fraga, 2016)

شایان ذکر است که نرخ بالای شناسایی خشونت‌های کلامی، روانی، عاطفی و معنوی احتمالاً ناشی از وضوح بیشتر این نوع خشونت و مقاومت کمتر در برابر آن، در قیاس با خشونت‌های فیزیکی است. با این حال، زنان همچنان در روابط اجتماعی روزمره خود در معرض شرایط اجتماعی و نمادین پنهانی قرار دارند که بر سلامت و کیفیت زندگی آن‌ها اثرگذار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین خشونت و حوزه "روابط اجتماعی" وجود دارد، به این معنا که زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی، از شبکه‌های حمایتی اجتماعی ضعیف‌تری برخوردارند و این فقدان، تعاملات اجتماعی و کیفیت روابط آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Sørensen et al, 2012) زنانی که در معرض خشونت قرار گرفته‌اند، در مقایسه با زنانی که چنین تجربه‌هایی را

از سر نگذرانده‌اند، به طور قابل توجهی با کاهش کیفیت زندگی و افت سلامت روان مواجه هستند. این یافته‌ها حاکی از آن است که خشونت، به عنوان یک عامل آسیب‌زا، تأثیرات عمیق و ماندگاری بر جنبه‌های مختلف زندگی زنان، از جمله سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بر جای می‌گذارد و ضرورت توجه ویژه به این مساله و ارائه خدمات حمایتی مناسب به این گروه از زنان را بیش از پیش آشکار می‌سازد. (Lucena et al, 2017) (Hisasue et al, 2020) خشونت علیه زنان تأثیر بسزایی بر کیفیت زندگی آنان دارد، به گونه‌ای که سلامت جسمی و روانی ایشان را به طور جدی تهدید می‌کند. این پدیده موجب افت عملکرد زنان آسیب‌دیده در عرصه‌های فردی و اجتماعی می‌شود و بازگشت آنان به زندگی عادی ممکن است سال‌ها به طول انجامد. اثرات مخرب خشونت خانگی می‌تواند پیامدهای بلندمدتی بر جنبه‌های مختلف زندگی زنان داشته باشد و نیازمند توجه و حمایت همه‌جانبه است.

۶. نتیجه

خشونت خانگی علیه زنان یکی از جدی‌ترین اشکال نقض حقوق بشر است که حقوق بنیادین مانند حق حیات، سلامت و برابری را نقض می‌کند. چارچوب‌های قانونی بین‌المللی، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون CEDAW، این خشونت را به عنوان نقض حقوق بشر و تبعیض جنسیتی به رسمیت می‌شناسند. این معضل که ریشه در نابرابری‌های جنسیتی، تبعیض و هنجارهای فرهنگی نادرست دارد، نیازمند توجه جدی، برنامه‌ریزی مدون و اقدامات همه‌جانبه از سوی دولت‌ها، سازمان‌های

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مردم‌نهاد و تمامی افراد جامعه است. برای مقابله با این معضل اجتماعی، باید شرایطی را فراهم آورند تا زمینه‌های خشونت در جامعه کمتر شود. این امر، نیازمند تغییر نگرش‌ها و باورهای نادرست در مورد زنان، ترویج فرهنگ احترام به حقوق زنان و مبارزه با هرگونه تبعیض جنسیتی است. آموزش نقش مهمی در پیشگیری از خشونت ایفا می‌کند. به زنان باید آموزش داد تا در صورت مواجهه با خشونت، چگونه از خود دفاع کنند و به چه مراکزی مراجعه نمایند. مردان نیز باید با پیامدهای خشونت آشنا شده و در جهت تغییر رفتارهای خود تلاش نمایند. سازماندهی شرایط فرهنگی به گونه‌ای که زمینه‌های خشونت کاهش یابد، از دیگر اقدامات ضروری است. همچنین تدوین و تصویب قوانین حمایتی و پیشگیرانه در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان، اقدامی بنیادین و ضروری در راستای کاهش و تعدیل آثار مخرب و گسترده این پدیده شوم اجتماعی محسوب می‌گردد. این قوانین، با ایجاد سازوکارهای قانونی مشخص، می‌توانند ضمن حمایت از زنان در معرض خطر و قربانیان خشونت، به عنوان عاملی بازدارنده در برابر رفتارهای خشونت‌آمیز عمل کرده و از تکرار و گسترش این معضل در جامعه جلوگیری نمایند. علاوه بر این، وضع قوانینی که به طور خاص به پیشگیری از خشونت علیه زنان می‌پردازند، از طریق آموزش، آگاهی‌رسانی و تغییر نگرش‌های فرهنگی نادرست، می‌توانند در بلندمدت به ریشه‌کن کردن این پدیده و ایجاد جامعه‌ای امن‌تر و عادلانه‌تر برای زنان کمک شایانی نمایند.

۷. سهم نویسندگان

منابع

علمی فقه و حقوق خانواده، سال بیست و پنجم، شماره ۷۳، ۱۳۹۹.

-قرآن کریم.

- مولاوردی، شهیندخت، موازین بین المللی حقوق زنان: کنوانسیون ها، میثاق ها، قطعنامه ها، پروتکل ها، اعلامیه ها، بیانیه ها، توصیه نامه، مقاوله نامه ها و اسناد مصوب کنفرانس های جهانی و اجلاس های ویژه، چ اول، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

- میرجعفری، زاهره سادات، حبیبی تبار، جواد، توحیدی، احمد رضا و فتاحی، محسن، مطالعه تطبیقی قوانین ملی و بین المللی در زمینه رفع خشونت خانگی علیه زنان، مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، سال چهارم، شماره هشتم، ۱۴۰۰.

-Amnesty International. (2022) (n.d.). Women rights are human rights. Retrieved from, <https://www.amnesty.org/en/what-we-do/discrimination/womens-rights/#:~:text=These%20include%20the%20right%20to,to%20earn%20an%20equal%20wage.>

-Anna Saber & Francisco Rivera Juaristi, (2016) "Written submission prepared by the International Human Rights Clinic at Santa Clara University School of Law in response to the call for submissions issued by the UN Special Rapporteur on Violence Against Women," Santa Clara Law, October 1.

- AuCoin, K, Beauchamp, D. (2007). Impacts and Consequences of Victimization, GSS 2004. Juristat. Statistics Canada, Canadian Centre for Justice Statistics. Catalogue no. Catalogue no. 85-002-XIE, Vol. 27, no. 1.

-Beijing Declaration and Platform for Action," (1995) in Report of the Fourth World Conference on Women, UN Doc.

- آگاه، حمید، قرآن؛ حق حیات و چالش های موجود. پژوهشهای قرآنی، ۹ (۳۶-۳۵)، ۱۳۸۲.

- تقی زاده، نیوشا، آقابابایی، حسین و نظری نژاد، محمد رضا، مخاطرات خشونت خانگی علیه زنان و راهکارهای پیشگیری از آن، فصلنامه آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی، دوره بیستم، شماره ۲۵، ۱۴۰۲.

- جهانگیری، سعید و گروسی، ناصر، حقوق زنان در اسلام و کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۳ (۸)، ۱۳۹۸.

- رضایی، آذرمیدخت، خدادادی، زهرا و میرمحمد، لیلا، رابطه بین افکار ناکارآمد و تمایل به افکار خودکشی در همسران آزار دیده، فصلنامه جامعه شناسی زنان سابق (زن و جامعه)، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۹۰.

- رنجبریان، امیرحسین، جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین الملل معاصر. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۷۰، ۱۳۸۴.

- شمسی، محسن و بیاتی، اکرم، فراوانی خشونت خانگی بر زنان باردار شهر اراک، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، سال سیزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، ۱۳۹۰.

- کرمی، موسی و توحیدی، احمد رضا، حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر: با اشاره به رویکرد نظام حقوقی ایران، فصلنامه

increased risk of psychiatric disorders among women but not among men? A longitudinal cohort study. *American Journal of Psychiatry*, 163:885-92.

-Fraga S. (2016) Methodological and ethical challenges in violence research. *Porto Biomed J*;1(2):77-80.

- Garcia-Moreno C, Heise L, Jassen HA, Ellsberg M, Watts C. (2005) Domestic Violence and severe psychological disorder: Prevalence and intervention. *The Lancet*. 368:1260-1269. doi: 10.1016/S0140-6736(06)69523-8.

[http://dx.doi.org/10.1016/S0140-6736\(06\)69523-8](http://dx.doi.org/10.1016/S0140-6736(06)69523-8).

-Hoppstadius H, Olofsson N, Espvall M. (2020) Professional knowledge on violence in close relationship in Swedish social services. *J Soc Serv Res*,1-12.

- Hisasue,T, M. Kruse, J. Raitanen, E. Paavilainen, P. Rissanen, (2020), Quality of life, psychological distress and violence among women in close relationships: a population-based study in Finland, *BMC Womens Health*, 20 , p. 85, 10.1186/s12905-020-00950-6.

-Johnson, MP. (2008) A typology of domestic violence: Intimate terrorism, violent resistance, and situational couple violence. Boston: Northeastern University Press.

- Johny, R. H. (2011). Tindak Pidana Kekerasan Terhadap Perempuan (Studi Etiologi Kriminal di Wilayah Hukum Polres Banyumas), *Jurnal Dinamika Hukum*, Vol. 11 (2), Page 117.

-Kurnianingsih, M., Absori., Johan Cahya, K.S., (2021). Psychic Shackles Violence in Women and Children in The District Grobogan, *WaliSongo Law Review*, Vol. 3 (1),

A/CONF.177/20, (UN Fourth World Conference on Women, 16th plenary meeting, Beijing, October 17, 1995). <http://undocs.org/A/CONF.177/20>.

-Barnett OW, Miller-Perrin CL, Perrin RD. (2011) Family violence across the lifespan: An introduction. 3. Thousand Oaks, CA: Sage.

-Boer Mauna (2001) *Hukum Internasional: Pengertian, Peranan dan Fungsi Dalam Era Dinamika Global*. Bandung: Alumni, p. 601-602.

-CEDAW General Recommendation No.19 on Violence Against Women (1992), para.9; CEDAW General Recommendation No.28 on the Core Obligations of States Parties under Article 2 of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (2010), para.13;

- CEDAWCommunication (2007) A.T. v Hungary, CEDAW Communication No.2/2003 (26 January 2005); CEDAW General Recommendation No.28 on the Core Obligations of States Parties under Article 2 of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women(2010).

- CEDAW(1979) Convention Elimination the of Discrim of Forms All of Discrimination against Women, York New, Committee on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 18 December.

-Campbell JC. (2002) Health consequences of intimate partner violence. *Lancet*. 359(9314):1331-6.

- European Institute for Gender Equality, (2015) Estimation of girls at risk of female genital mutilation in the European Union , p.19 .

- Ehrensaft MK, Moffitt TE, Caspi A. (2006). Is domestic violence followed by an

VIOLENCE, international Journal of Advansed research(IJAR).

-Saur R, Arnt Even H, Trond Heir. (2011) Violence prevention in Norway. Activities and measures to prevent violence in close relationships. Report 4.

-Scottish Government (2008) Homicide in Scotland, 2007-08. Statistics Release; A National Statistics Publication for Scotland, National Statistics, Edinburgh.

-Sheridan, D.J and Nash, K.R (2007) 'Acute injury patterns of intimate partner violence victims', Trauma, Violence, and Abuse, 8 (3), 281-289.

-Stark, E and Flitcraft, A (1995) 'Killing the beast within: Women battering and female suicidality', International Journal of Health Services, 25, 43-64.

-Sørensen J, Kruse M, Gudex C, Helweg-Larsen K, Brønnum-Hansen H. (2012) Physical violence and health-related quality of life: Danish cross-sectional analyses. Health Qual Life Outcomes. 10(1):113.

- Silva AFC, Alves CG, Machado GD, Meine IR, da Silva RM, Carlesso JPP. (2020) Domestic violence against women: sociocultural context and mental health of the victim. Research, Society and Development. 9(3).

- Shanmugan, S, Loughhead, J. Cao, W, M.D. Sammel, T.D. Satterthwaite, K. Ruparel, R.C. Gur, C.N. (2017) Epperson, Impact of tryptophan depletion on executive system function during menopause is moderated by childhood adversity, Neuropsychopharmacology 42 (12) 2398–2406,

-Temple, J.R, Weston, R, Rodriguez, B.F, and Marshall, L.L (2007) 'Differing effects of partner and nonpartner sexual assault on women's mental health', Violence Against Women, 13, 285-297

-Lestari, D. (2005). Kekerasan Dalam Rumah Tangga Terhadap Perempuan, Jurnal Hukum Pembangunan, 35 (3), Page 340.

- Meyer, S.R. Lasater, M.E. Lee, L. Garcia-Moreno, C. (2020) Measurement of violence against women and disability: protocol for a scoping review, BMJ Open, 10 (12) , Article e040104, 10.1136/bmjopen-2020-040104.

- MC v Bulgaria (Application No.39272/98), Judgment, 4 December 2003; Aydin v Turkey (Application No.23178/94), Judgment, 27 September 1997; Opuz v Turkey (Application No.33401/02), Judgment, 9 June 2009; Raquel Martí de Mejía v Peru, Inter-American Commission on Human Rights, Case 10.970, Report No. 5/96, 1 March 1996; O'Keeffe v Ireland (Application No.35810/09), Judgment, 28 January 2014.

- Murphy CC, Schei B, Myhr TL, et al. (2001). Abuse: a risk factor for low birth weight? A systematic review and meta-analysis. Canadian Medical Association Journal, 164:1567-72.

-Peter Baehr (2001) Instrumen Internasional Pokok Hak-hak Asasi Manusia. Jakarta: Yayasan Obor Indonesia, p. 59.

-Plitchta, S.B (2004) 'Intimate partner violence and physical health consequences Policy and practice implications', Journal of Interpersonal Violence, 19(11), 1296 – 1323.

- Perreault, S., Brennan, S. (2010). Criminal victimization in Canada, 2009. Juristat Vol. 30, no. 2. Statistics Canada, Canadian Centre for Justice Statistics. Catalogue no. 85-002-X. Accessed March 6, 2012 at: <http://www.statcan.gc.ca/pub/85-002-x/2011001/article/11407-eng.htm>

- Reshmi S. Nair and Dr. Kavita Gupta, (2024) A STUDY ON HUMAN RIGHTS VIOLATIONS AND DOMESTIC

-Testa MA, Simonson DC. (1996) Assessment of quality-of-life outcomes. N Engl J Med. 334(13):835-40.

-United Nations General Assembly, (2019) United Nations General Assembly, Violence against women migrant workers: report of the Secretary-General A/74/235. 2019.

https://digitallibrary.un.org/record/3825112/files/A_74_235-EN.pdf?

-UNITED NATIONS DEVELOPMENT GROUP EUROPE AND CENTRAL ASIA, (2020) Issue Based Coalition on Gender July 2020.

-Williams, J.A. Lawrence, B.A. Davis, C. Vu. (2019) Understanding how discrimination can affect health, Health Serv. Res., 54 (suppl 2) , pp. 1374-1388, 10.1111/1475-6773.13222.

-World Health Organization. (2021) Devastatingly pervasive: 1 in 3 women globally experience violence. www.who.int Available online at: <https://www.who.int/news/item/09-03-2021-devastatingly-pervasive-1-in-3-women-globally-experience-violence> (Accessed May 2, 2024).

-WHO (2002) World Report on Violence and Health, Geneva, Switzerland: World Health Organisation.

-WHO (2004) Violence against women and HIV/AIDS: critical intersections, Geneva, Switzerland: World Health Organisation.